

پایش علی انان، محلیزیت و توسعه پایدار

باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

۱۳۸۸/۲۰ شماره ۱۳۸۸

نگرشی نوین به ابعاد توسعه پایدار - بعد فرهنگی

مرجان مهیمنی*^۱، حسنعلی آقاجانی^۲، هاجر خسروی^۳

چکیده:

توسعه در تمامی ابعاد آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) منوط است به چگونگی تفکر انسان، و چنین تحولی ریشه در باورها، اندیشه ها، رفتارها، سنتها و... دارد و این عناصر نیستند، مگر اجزاء متشکله فرهنگ یک قوم؛ حال آنکه فرهنگ گسترده ترین بستر توسعه همه جانبه است و هیچ توسعه ای صورت تحقق به خود نمی گیرد مگر آنکه فرهنگ آن جامعه متحول شود.

در این مقاله اشاره شد که رشد و توسعه یک جامعه متکی به افکار و ارزشهای اجتماعی است و در گرو تلاش و کوشش های فراوانی است که در قالب فرهنگ پویا منجر به نوآوری و خلاقیت و تحول می شود و اینکه، مفهوم توسعه پایدار دو هدف ضروری را ادغام می کند: الف) تأمین زندگی مناسب، امن و ارزشمند برای همه مردم که هدف «توسعه» است، ب) زندگی و کار مطابق با محدودیتهای زیستی- فیزیکی محیط، که هدف «پایداری» است. و گفته شد که توسعه پایدار چشم اندازی است که ایجاد ارتباط بین بسیاری از ایده ها و زمینه های دانشی (چه ایده های حال حاضر و چه ایده های قدیمی) که قبلاً منزوی مانده بودند، را الزامی می کند.

کلمات کلیدی: نگرش، توسعه، توسعه پایدار، بعد فرهنگی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۲- استادیار دانشگاه مازندران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

مقدمه:

در مقاله حاضر به تعریف مفهوم توسعه پایدار پرداخته خواهد شد و در رابطه با اهمیت فرهنگ و ابعاد فرهنگی که امروزه یکی از مهمترین ارکان توسعه پایدار در جوامع بشری است بحث و گفتگو خواهد شد و اینکه « توسعه پایدار به تعبیری یک مفهوم اخلاقی است» و « شاید برآمده از فرهنگ و ارزش های انسانی باشد » (نصیری، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵) همچنین «توسعه فرهنگی ، از جنبه های نوین مفهوم توسعه است که شاخصه هایی مثل امکان استفاده متناسب و عادلانه همه از فضاهای فرهنگی، ارتقای دانش و معرفت در جامعه و... را در بر دارد.» (عباس زاده، ۱۳۸۷، ص ۳)
در نهایت با توجه به بحث این مقاله پیشنهاداتی برای توسعه یافتگی هر چه بیشتر جوامع و استمرار این توسعه یافتگی با توجه به بعد فرهنگی توسعه ارائه خواهد شد .

توسعه

«توسعه فرآیندی تصور می شود که در طی آن جوامع مختلف از شرایط اولیه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی با عبور از مراحل تکاملی و تحمل دگرگونی های کبفی و کمی به جوامع توسعه یافته تبدیل خواهند شد.» (نصیری، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹) «توسعه فرآیندی تعاملی است که در آن افراد در شبکه های کاری یاد می گیرند که چگونه مشکلات را تعریف و حل کنند. همچنین فرآیندی است که در آن سازگاری همه بخشها افزایش می یابد.» (Elliott, 1994)
«توسعه در کلی ترین یا عام ترین معنای آن تحولی اجتماعی از طریق مجموعه ای از تغییرات برنامه ریزی شده یا ناشی از مداخلات عامدانه انسانی است.» (زاهد، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰)

البته توسعه برای هر جامعه ای یک تعریف اختصاصی دارد و تعریف عامی که برای همه جوامع سازگار باشد وجود ندارد ، دکتر عیوضلو می گوید : «مسأله و موضوع توسعه به نظر من عبارت است از تبدیل امکانات بالقوه به امکانات بالفعل؛ در ابتدا هم باید تمامی امکانات را از نظر فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... شناسایی کرده و بررسی نمود که در هر مقطع تاریخی چگونه می توان امکانات بالقوه را به امکانات بالفعل تبدیل کرد.» (عیوضلو، ۱۳۸۰، ص ۱۸) همچنین آقای جاسبی بیان می کنند : «توسعه بدون مدیریت امکانپذیر نیست و برای تحقق برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیاز به مدیریت کارا، توانا و آگاه می باشد.» (جاسبی، ۱۳۷۹، ص ۵۱)

«توسعه فرآیندی است که کوششهای مردم و دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر محله را متحد کند، مردم این محله ها را در زندگی یک ملت ترکیب نمایند و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی تواناسازد.» (New York, U.N.)

«توسعه فراگردی است متضمن تحول و دگرگونی در جامعه به گونه ای که جامعه به توانایی استفاده از ظرفیتهای بالقوه خود به منظور تامین نیازهای خود و بهتر زیستن دست یابد و آنها را به منصف ظهور برساند. برای تحقق و تداوم این فرآیند باید بین اجبارهای امروز و نیازهای فردا ، انگیزه های خصوصی و آزمندی شخصی و همدردی اجتماعی توازن برقرار باشد.» (عطارزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷)

برخی از اقتصاددانان نیز توسعه را بر اساس اهداف آن بیان کرده اند مانند آدلمن و موریس از هابسون نقل کرده اند: «هدف توسعه حداکثر بهره برداری از فعالیتهای تولیدی و نیز افزایش رشد در مهارت، دانش و ظرفیتهای نیروی کار است» (Adelman, I. & Morris, C.1984, P. 87) حال آنکه درونوفسکی معتقد است که «اهداف نهایی برنامه های توسعه باید براساس معیارهای رفاه بیان شود»

«توسعه مجموعه تغییرات فرهنگی، ارزشی، اجتماعی و اقتصادی است که با کمک آنها بتوان شاخص های حقیقی را بهبود بخشید. توسعه یک فرآیند بسیار پیچیده است که لازمه آن جامع نگری در طراحی و بهینگی نهادها در جهت دهی فرآیند است.» (پور خلیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰). «توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.» (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

در جای دیگر توسعه را این گونه تعریف می کنند: «توسعه عبارت است از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن به ورود همه جانبه به مرحله ای دیگر از تاریخ، بعبارت دیگر توسعه به مفهوم علمی آن، عبارت است از مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظامی از زندگی» (پورافکاری، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳)

در مجموع توسعه عبارتست از «روندی چند بعدی که طی آن جوامع استانداردهای زندگی خود را ارتقا می بخشند، نابرابری ها را کاهش می دهند و فقر را از اعضای خود می زدایند.» (نصیری، ۱۳۷۹، ص ۱۸)

توسعه پایدار

توسعه پایدار، مفهوم جدیدی است که از طریق پیوند بین ابعاد مختلف توسعه (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) و توجه خاص به ملاحظات محیطی و حفظ محیط زیست از دهه ۸۰ به طور گسترده ای مطرح گردید. از سوی دیگر، مدیریت دولتی نوین به منظور افزایش مسئولیت مدیران به محیط پیرامونی خود، از دهه ۷۰ جایگزین مدیریت دولتی در مفهوم سنتی آن شد.

بهترین تعریف از توسعه پایدار عبارت است از: «تامین نیازهای نسل کنونی بدون لطمه زدن به منافع نسلهای آینده.» (Environment and Development, 1987,)

«در اصطلاحات معمول، مقصود از پایداری، دوام مشخصه های مطلوب و مورد نیاز مردم، سازمانها و جوامع آنها و اکوسیستم پیرامونشان در طی یک مدت زمان خیلی طولانی (نامشخص) است. بنابراین توسعه به این معنی است که نقاط بالقوه شناسایی و یا گسترش یابند و به تدریج به سمت یک حالت بهتر و پایدارتر سوق یابد. این امر هم مشخصه کیفی و هم کمی را در بر دارد و بدین ترتیب از رشدی که به یک رشد کمی در ابعاد مادی برسد، متمایز می گردد و اگر قرار است که زندگی (اعم از انسان، کارخانه و حیوانات) پایدار بماند و دوام داشته باشد، یکسری از فاکتورهای معین جهانی باید باقی بماند و پیشرفت کند. به علاوه، آنها مفهوم توسعه پایدار را به عنوان یک مسأله ارزش محور تلقی می کنند و این مفهوم را با این موضوع تقویت می کنند. بنابراین طرح ریزی یک جهان پایدار - فرصتها و مراتبی که "فاکتورهای معین" پایدار بمانند - به پایه ریزی عملی از ارزشها، یعنی ارزشهایی که در طول

مدت زمان تغییر کند و در جوامع مختلف از یک جامعه به جامعه دیگر متغیر باشد، بستگی دارد. (مرکز توسعه پایدار ایران)

بنا بر این تعریف، کیفیت زندگی آینده و به طور کلی کیفیت زندگی به کیفیت محیط زیست بستگی تام دارد. بنابراین، متخصصان موضوع توسعه توصیه می کنند که کلیه برنامه ریزان توسعه حتما باید در طرحهای خود در توسعه را با حفظ محیط زیست در نظر بگیرند. (افقه، ۱۳۸۶، ص ۱۲). کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه نیز توسعه پایدار را این گونه تعریف می کند: « توسعه پایدار فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد». (Environment and Development, 1987,)

«توسعه پایدار فرآیندی است که سیستمهای اقتصادی، مالی و تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و همه سیاستهای دیگر چنان در آن طراحی شده است که موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی و بوم شناسی پایدار باشد». (محمودیان شوئیلی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷).

توسعه پایدار چشم اندازی است که ایجاد ارتباط بین بسیاری از ایده ها و زمینه های دانشی (چه ایده های حال حاضر و چه ایده های قدیمی) که قبلاً منزوی مانده بودند، را الزامی می کند.

«توسعه پایدار عبارتست از: توسعه ای که نیازهای کنونی جهان را تامین کند، بدون آنکه توانایی نسل های آتی را در بر آوردن نیازهای خود به مخاطره افکند و اینکه توسعه پایدار رابطه متقابل انسان ها و طبیعت در سراسر جهان است. بطور کلی توسعه پایدار عرصه نوینی است که همزمان هم سیاست و هم فرهنگ را مورد توجه قرار می دهد و هم بر رونق اقتصاد و تجارت و صنعت تاکید می ورزد. هم از محیط زیست و همزیستی با طبیعت حمایت می کند و هم از حقوق برابر انسانها، هم به مسائل داخلی کشورها می پردازد و هم به مسائل بین المللی.» (حسین نصیری، ۱۳۷۹، توسعه پایدار، ص ۱۱۳ و ۹)

توسعه پایدار - بعد فرهنگی

«امروزه وقتی صحبت از توسعه می شود مراد مفهوم جامع و فراگیر توسعه پایدار انسانی است که در بر گیرنده ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است و فرهنگ نیز به ادبیات و هنرها محدود نمی شود بلکه به معنای شیوه و روشی است که افراد در کنار یکدیگر زندگی می کنند، ارتباط برقرار می کنند و همکاری می کنند و همچنین نحوه این مناسبات متقابل با استفاده از نظام باورها، ارزشها و هنجارهاست.» (فرهانی، ۱۳۸۷، ص ۹۲). «بسیاری توسعه را به مفهوم عقل گرا شدن جامعه استنباط کرده اند، عقل گرایی در دو بعد یعنی ابزار و فرهنگ» (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

دستیابی به توسعه پایدار اساساً یک موضوع از فرصت های اجتماعی است، فرصتی که بخشی از آن شخصی و خانوادگی، بخشی مربوط به جوامع شده و بسیاری از مؤسسات جامعه شهری و دولت را در بر می گیرد. در این مسیر، بینش های جدید می تواند به طور مؤثری به تصمیم گیرندگان تغذیه شود و برعکس. در سالهای اخیر به

صورت مشخص پذیرفته شده است که دگرگونی اجتماعی و حرکت به سوی مطلوب نمی تواند و نباید به بهای قربانی شدن فرهنگها به دست آید، بلکه اصولاً این روند با ارج گذاری به فرهنگ ملتها، به سرانجام خواهد رسید. یکی از نخستین تعریف ها در این زمینه را «ریه مائو» (RENEMAHEU) دبیرکل پیشین یونسکو در سال ۱۹۶۳، ارائه داد. به نظر او «توسعه زمانی تحقق می یابد که علم به فرهنگ تبدیل شود.» «حتی کوچکترین دستاورد علمی زمانی به صورت پدیده فرهنگی درمی آید که از طرف جامعه جذب شود و به مثابه جزئی از شیوه زندگی مردم در آید.» (پچی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸)

«توسعه در تمامی ابعاد آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) منوط است به چگونگی تفکر انسان، و چنین تحولی ریشه در باورها، اندیشه ها، رفتارها، سنتها و... دارد و این عناصر نیستند، مگر اجزاء متشکله فرهنگ یک قوم. حال آنکه فرهنگ گسترده ترین بستر توسعه همه جانبه است و هیچ توسعه ای صورت تحقق به خود نمی گیرد مگر آنکه فرهنگ آن جامعه متحول شود. (حمزه ای، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳). «توسعه فرهنگی یک مفهوم جامعیت و کل گرایی را ترویج می کند یعنی توسعه همه جانبه. کلیت فرهنگی شامل جامعه با تمام ساختار آن و زبان اجزای تشکیل دهنده آن و ایدئولوژی با تمامی ساختار درونی آن و فن آوری با تمامی ابعاد آن می شود.» (فیاض، ۱۳۷۷، ص ۲۹)

«فرهنگ را به مجموعه ادراکات انسانی که به توافق جمعی رسیده باشد، تعریف می نمایند. بنا به این تعریف، مجموعه ادراکات حاصل از حس، عقل و دل که در یک اجتماع و یا جامعه به توافق رسیده باشد فرهنگ را به وجود می آورد.» (زاهد، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵)

فرهنگ بعنوان وجه ممیز انسان از دیگر موجودات شامل تمام دستاوردهای جامعه مانند: زبان، هنر، حقوق، دین و... می باشد. طبق تعریف کنفرانس جهانی فرهنگ و توسعه از فرهنگ، فرهنگ عبارتست از: «مجموع کامل مشخصه های ممیزه روحی، مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می کند. نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی انسانی، نظامهای ارزش، سنتها و اعتقادات نیز می شود.»

اصطلاح فرهنگ در مفهوم جامعه شناسی آن نخستین بار توسط ادوارد بارنت تایلور ۱۸۷۱ در کتابی تحت عنوان «فرهنگ ابتدایی» بکار رفت. حال آنکه توسعه فرهنگی، از تحول در زندگی با سایر شکل‌های توسعه است که ممکن است بصورت یک فرآیند طبیعی انجام شود یا به صورت آگاهانه بخش زیادی از توسعه فرهنگی در نتیجه بالا رفتن استاندارد زندگی، همراه با پیشرفت تکنولوژیک باشد. یک جامعه باید تکنولوژی، وسایل و ابزار تولیدی و کاربردی مورد نیاز خود را که در شمار فرهنگ مادی است از جوامع توسعه یافته بگیرد ولی گرفتن جنبه های غیر مادی چون ادبیات، آداب و رسوم و... که هویت جامعه است.

«در نوشتاری با عنوان «فرهنگ و توسعه» با تاکید بر اینکه «الگوی غربی توسعه که در آن اقتصاد در راس قرار دارد تماماً ساخته تمدن و فرهنگ غرب و برخاسته از درون و همسو با آن است» به شکست این الگو در بسیاری از کشورها و ایجاد گسیختگی در نظام فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی اجتماعی اشاره دارد و تاکید می کند با ریشه دواندن الگو در نظام فرهنگی است که این کشورها قادر نخواهند بود نابسامانیها را اصلاح کنند» (یونسکو، ۱۳۷۶، ص ۴-۳) همین نوشتار به این اشاره داشت که مفهوم توسعه از نظر فرهنگی بی طرف نیست. در جای دیگر

با بحث پیرامون تجربه کشورها در امر توسعه، با تاکید بر اینکه از نظر یونسکو «توسعه جزئی از فرهنگ است» به این امر اشاره دارد که توسعه فقط می تواند در جای که از آن ریشه گرفته است، در فرهنگ و سنتهای همان کشور رشد کند. زیرا توسعه فرآیندی همه جانبه و مرتبط با ارزشهای هر جامعه و فراخوان مشارکت همه افراد و گروه هایی است که بنیانگذار آن هستند و هم از آن نفع می برند» (رجب زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۸)

باید در نظر داشت که توسعه پایدار به ملاحظه «منابع طبیعی پایه» به عنوان نخستین محدودیت، اهمیت می دهد، بر خلاف توسعه سنتی که «سرمایه و قابلیت دسترسی» به آن را اولین محدودیت تولید در نظر می گرفت. سیاست اخلاقی «حفظ امکان استفاده حداقل مساوی با ما برای نسل های بعدی از منابع طبیعی» شدیداً مدنظر توسعه پایدار است. در توسعه پایدار، ارزش تمام منافع و هزینه های اجتماعی (مثل کاهش منابع) برای تعیین نقش توسعه، باید در سیستم حسابداری منظور شود یعنی آیا هزینه ای که انجام می شود با هدف مورد نظر از توسعه سازش دارد یا نه (مثلا تخریب جنگل به چه قیمت؟.....). در توسعه پایدار، جذب ضایعات تولید، کارکرد اصلی محیط زیست و یک محدودیت در رشد اقتصادی محسوب می شود، ضمناً جنبه های فرهنگی، بسط عدالت اجتماعی و بیشتر مدنظر است. (Barber, ۲۰۰۴)

عوامل مهم توسعه فرهنگی

صاحب نظران شاخص های مختلفی برای توسعه فرهنگی و پایداری این توسعه ارائه داده اند:

۳،۱. خانم چناری در مقاله خود تحت عنوان «توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه» سه عامل مهم که می توانند در جهت رشد و توسعه فرهنگی موثر واقع شود بیان می کنند:

۱. رسانه های جمعی اولین قدرت فرهنگی :

۲. کتاب و کتاب خوانی دومین اقدام فرهنگی :

مطبوعات سومین قدرت فرهنگی :

بر طبق این تقسیم بندی به نظر می رسد بتوان برای اینکه به توسعه یافتگی در بعد فرهنگی که امروزه از مهمترین ابعاد دستیابی به توسعه پایدار محسوب می شود در امر توسعه فرهنگی نباید نقش این سه عامل مهم یعنی رسانه ها، کتاب و کتاب خوانی و مطبوعات را در ترویج فرهنگ سازی سالم و توسعه فرهنگ در میان مردم را نادیده گرفت.

آقای زاهد نیز در جای دیگر برای فرهنگ سه بعد معرفی کردند:

۱. فناوری و مهارت ها

۲. علم و معرفت :

۳. نظام ارزشها و اخلاق جمعی

ایشان بیان می کنند که این سه مجموعه ابعاد مختلف فرهنگ را تشکیل می دهند و باید دانست این سه مجموعه اجزاء گسسته از هم نیستند بلکه ابعاد سه گانه فرهنگ را می سازند که اگر سه کره ی تودرتو را در نظر بگیریم نظام ارزشها و اخلاق جمعی کره ی مرکزی، علم و معرفت کره ی میانی و فن آوری و مهارت کره بیرونی را تشکیل می دهد. همچنین ایشان اذعان داشتند که فرهنگ هر جامعه را از نظر سطح تحقیق و عمق می توان به سه لایه تقسیم نمود: ۱. فرهنگ بنیادی ۲. فرهنگ تخصصی ۳. فرهنگ عمومی که فرهنگ بنیادی ریشه اصلی فرهنگ و جهت کلیه عناصر فرهنگی را معین می کند و فرهنگ تخصصی زمینه اجرای اهداف فرهنگ بنیادی را تبیین و روشن می نماید و فرهنگ عمومی بخش عملیاتی و اجرایی نظام فرهنگی می باشد. نتیجه آنکه بنیان های فرهنگی معین شده در فرهنگ بنیادی و طراحی ها و تبیین های فرهنگ تخصصی، در فرهنگ عمومی شکل عملیاتی به خود می گیرد. این سه سطح از فرهنگ را نیز مانند سه بعد از فرهنگ که قبلاً از آنان یاد شد، می توانیم به سه کره تو در تو تشبیه نمائیم که فرهنگ بنیادی کره مرکزی و فرهنگ عمومی کره بیرونی را تشکیل دهد.

آقای حسن میرزا حسینی در مقاله خود اینگونه می گوید:

«توسعه بعنوان یک فرهنگ پدیده ای چند بعدی است و از عوامل مهم و موثر در امر توسعه فرهنگی و درنهایت توسعه یافتگی و توسعه پایدار می شود، عبارتست از:

۱. داشتن روحیه جمعی و مشارکت

۲. نداشتن تفکرات جبری و بی تفاوتی

۳. اعتقاد به اجرای قانون و نظم پذیری

۴. داشتن تفکر علمی و روحیه تحقیق و نوآوری و...

اما خانم علیقی بطور کاملتری در رابطه با عوامل اصلی در توسعه فرهنگی می نویسد :

۱. گسترش سواد و ایجاد آموزش همگانی : سواد کلید اصلی در توسعه فکری و تجربی است بدون سواد انسان توانایی جذب پردازش اطلاعات را ندارد .

۲. اشاعه روح علمی در جامعه : ذهن انسان با مجهز شدن به شیوه های علمی است که توسعه پیدا می کند

۳. تحقیقات و پژوهش : تنها با تحقیقات و پژوهش است که می توان راه حلهای تازه برای مسائل گوناگون بشر پیدا کرد گسترش تحقیقات به معنای گسترش تواناییهای فکری و آفرینندگی در جامعه است از این جهت مراکز تحقیقات علمی و مراکز تحقیقات تحقیق و توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است

۴. گسترش نظام های اطلاعاتی و ارتباطی : اطلاعات امروزه به صورت ماده اولیه تولید تکنولوژی در آمده است از این رو اطلاعات یکی از مهمترین عامل توسعه است.

۵. تحول در ارزشها: ارزشهای جامعه باید در جهت ایجاد محیط مناسب برای آموزش و فعالیت ثمر بخش و خلاقیت بازسازی شود و ارزشهایی که انسانها را در این جهت سوق می دهد تقویت است.

۶. افزایش مشارکت: برای آنکه توسعه به صورت واقعی انجام گیرد باید افراد جامعه تمام در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه مشارکت داده شوند. (علیقی، ۱۳۸۵، ص ۵۹)

۳،۵. خانم فاطمه فراهانی کارشناس کمیسیون ملی یونسکو در ایران در مقاله خود تحت عنوان «شاخص های فرهنگی توسعه» شاخص های فرهنگی توسعه را به سه گروه زیر تقسیم می کند:

۱. شاخص های آزادی فرهنگی: که شامل حقوق فردی و اجتماعی است که فهرست شاخص های آزادی فرهنگی عبارتست از: امنیت شخصی-آزادی بیان و اندیشه - تساوی در برابر قانون - حق تصمیم گیری و گزینش

۲. شاخص های خلاقیت فرهنگی: که نشاندهنده احترامی است که جامعه برای آزادی های اساسی انسان قایل می شود و حکایت از این دارد که تا چه حد جامعه با ارج نهادن به خلاقیت به شهروندان خود امکان می دهد تا با اتکا به توانایی ها و استعداد های خلاق خود به گونه ای فعال در حیات جامعه مشارکت کنند. شاخص های خلاقیت فرهنگی براساس سه مقوله تدوین می شود: هزینه های فرآورده های فرهنگی و فعالیت های فرهنگی - خلق فرآورده های جدید - تعداد افرادی که بطور مستقیم در فعالیتهای خلاق مشارکت دارند

۳. شاخص های گفتگوی فرهنگی: این شاخص در واقع به این موضوع اشاره می کند که لازمه همزیستی ملت ها برقراری ارتباط و درک و شناخت متقابل آنها از یکدیگر است. برای سنجش گفتگوی فرهنگی در حال حاضر سه مقوله وجود دارد: سواد و دستاوردهای آموزشی - ابزار ارتباطات - تنوع و گفتگو.

هدف نهایی توسعه، توسعه انسانی است پس باید ابتدا از انسان شروع کرد، مفهوم توسعه انسانی خود گویای آن است که هدف اصلی توسعه بهره مند ساختن راستین است یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد یعنی پرورش قابلیت های انسان و گسترش امکانات اوست. (پور نیاکان، ۱۳۸۰، ص ۶۲)

«توسعه در تمامی ابعاد آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) منوط است به چگونگی تفکر انسان، و چنین تحولی ریشه در باورها، اندیشه ها، رفتارها، سنتها و... دارد و این عناصر نیستند، مگر اجزاء متشکله فرهنگ یک قوم. حال آنکه فرهنگ گسترده ترین بستر توسعه همه جانبه است و هیچ توسعه ای صورت تحقق به خود نمی گیرد مگر آنکه فرهنگ آن جامعه متحول شود.» (حمزه ای، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳)

بنابراین مفهوم توسعه پایدار دو هدف ضروری را ادغام می کند: الف) تأمین زندگی مناسب، امن و ارزشمند برای همه مردم که هدف «توسعه» است، ب) زندگی و کار مطابق با محدودیتهای زیستی- فیزیکی محیط، که هدف «پایداری» است

مشارکت و مسئولیت پذیری، هویت و تعلق شهروندی استقبال از تغییرات فرهنگی، ارتباطات، اعتماد و محدودیت های محیطی از عوامل تاثیر گذار در جهت توسعه است حال آنکه گرایش به نظم و قانون گرایی مهمترین عاملی است که بر فرهنگ تاثیر گذار است

به طور خلاصه، توسعه پایدار ما را متعهد به در نظر گرفتن دوره طولانی فرآیند و نیز تشخیص کامل در اکوسیستم می‌کند. این موضوع اندیشه‌ای را بر روی فعالیت بشری باقی می‌گذارد و همچنین دیدی تازه نسبت به جهان به ما می‌دهد. توسعه پایدار چشم‌اندازی است که ایجاد ارتباط بین بسیاری از ایده‌ها و زمینه‌های دانشی (چه ایده‌های حال حاضر و چه ایده‌های قدیمی) که قبلاً منزوی مانده بودند، را الزامی می‌کند.

برای کامیابی در عرصه رقابت، باید ابتدا از خودمان شروع کنیم و محیط مناسبی را برای شکوفایی استعدادها و پتانسیل‌های نهفته، به وجود آوریم. یکی از لازمه‌های کلیدی برای این نوع بستر سازی، کاهش بیکاری، به ویژه در میان جوان‌هاست، زیرا هرچه امکان بهره‌گیری بهینه از استعدادها و توانایی‌های جوانان، بیشتر و عمیق‌تر باشد، آینده روشن‌تری در انتظار آن جامعه خواهد بود. باید دانست که «جوانان، فرصت هستند» فرصت‌هایی که با آموزش درست و هدفمند، تبدیل به رمز موفقیت و پیشرفت می‌گردند، بنابراین، جوانان، برگ برنده کشورهای در حال توسعه، در میدان مبارزه آینده، به حساب می‌آیند.

باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که «اصولاً فرهنگ دارای دو بخش مهم است که هر بخش آن تابعی از دین و استنباطی از آن است: ۱. بخش عمومی یا نسبتاً ثابت که بیشتر صیغه‌ی فرا ملی داشته و با سایر جوامع مشترک است و تابع اصول و احکام ثابت الهی و استنباط پیدا و نا پیدا از آن است ۲. بخش خصوصی یا نسبتاً متغیر که بیشتر صیغه‌ی اجتماعی - ملی داشته و ناظر بر محیط، جامعه، طبقه و قشر و سازمانی خاص می‌باشد و تفسیر و نمود بخش عمومی است. رابطه این دو بخش، رابطه‌ای مستقیم، مهم و حیاتی است بخش اول الهام دهنده به بخش دوم است ولی بخش دوم پویا و دائم‌التغییر است این بخش اگر توسط بخش اول تغذیه نشود به اصول دیگری روی آورده و تبدیل به فرهنگ رقیب می‌شود.» (حسینی منش، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸) این نارسایی که در متن فوق به آن اشاره شد منجر به تهاجم فرهنگی و جذب مدگرایی و گرایش به سمت فرهنگ‌های غلط در جوامع دیگر می‌شود و در نتیجه آن جامعه‌ای که تمایل به سوق گرفتن به سمت توسعه یافتگی جوامع دیگر داشت به دلیل عدم توفیق در توسعه فرهنگی از آن باز می‌ماند که این معضل و مشکلات اکثر کشورهای جهان سومی و کشورهای در حال توسعه مانند ایران خودمان است. در جای دیگر آقای حسینی منش اشاره می‌کند «اگر چه نقش و کارکرد دین با این تعابیر دربرگیرنده بخش مهمی از نقش و کارکرد فرهنگ است اما برتری خاصی نسبت به فرهنگ دارد زیرا فرهنگ نقش رفتارها و ارزشهای اجتماعی (هرچند برگرفته از دین) افراد یک جامعه را هماهنگ و همسان می‌کند، اما دین با تکیه بر فطرت انسان و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای خاص و استقرار ضایل بارز از بیرون توسط شرع و از درون توسط فطرت (اخلاق فردی)، انسانها را کنترل می‌کند و این به مراتب اثر بخش‌تر از عمل یک سویه‌ی فرهنگ است.» (حسینی منش، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹)

«افزایش ناپایداری و تهدیدهای زیست محیطی بشر را ناگزیر کرده است که برای استمرار حیات خویش چاره اندیشی کند. بهبود وضعیت محیط زیست به این هدف کمک شایانی می‌کند. امروز شیوه‌های متعددی برای بهبود محیط زیست مطرح می‌شود. رویکرد بازدارندگی و رویکرد مبتنی بر اخلاق و رویکرد توسعه فرهنگی دانایی محور از جمله شیوه‌های مقابله با آسیب‌ها و تهدیدهای زیست محیطی محسوب می‌شوند. در این میان نقش و اهمیت رویکرد توسعه فرهنگی به نحو چشمگیری از دیگر رویکردها بیشتر است. این رویکرد کم هزینه، فراگیر و پایدار

است و در عین حال از مقبولیت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار می باشد. مهمترین ابزار توسعه فرهنگی دانایی محور در حوزه محیط زیست آموزش است در حقیقت با آموزش، جهل و فقر فرهنگی کمتر شده و مردم آماده رشد فرهنگی می شوند. به شرط اینکه در کنار آموزش، خدمات و سرویس دهی نیز انجام شود و دولت درصدد رفع مشکلات نیز باشد. در آن صورت مردم درخت، خاک، گل و... را جزئی از اموال خود دانسته برای حفظ و پایداری آن اقدام می کنند اما این آموزش فقط برای مردم به تنهایی عمل نمی کند، دولتمردان و برنامه ریزان نیز باید در کنار مردم آموزشهای زیست محیطی را بپذیرند تا عمق مسئله را درک کنند» (مجله تدبیر ۱۵۸)

توسعه پایداری که امروز در همه جا از آن صحبت می شود توسعه پایدار زیست محیطی است که به زبان ساده به آن چنان توسعه ای اطلاق می شود که با توجه به ملاحظات زیست محیطی نیازهای نسل کنونی را در صورتی توجیه شونده قلمداد می کند که امکان برآورد نیازهای نسل های آتی نیز مورد توجه جدی و واقعی قرار گیرد توسعه پایدار زیست محیطی فرآیند توسعه را محدود و مشروط نمی نگرد و تنها توسعه ای را می پذیرد که از یک سو مساله عدالت اجتماعی، فقرزدایی و جلوگیری از تشدید شکاف طبقاتی را مبنای تحقق مفهوم توسعه پندارد و بر آن تاکید دارد، علاوه بر دو بعد جو و تخریب لایه اوزن و سایر ملاحظات زیست محیطی از یک سو و فقرزدایی و عدالت اجتماعی از سوی دیگر که در واقع مشروط کننده فرآیند توسعه می باشد بعد سوم یا مفهوم توسعه نیز مفهومی تام و تمام است که توسعه اقتصادی را به توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و توسعه انسانی پیوند میزند.

در آغاز تنها مفهوم رشد اقتصادی مطرح بود که در تولید ناخالص ملی، سرانه تولید ناخالص ملی، سرانه درآمد ملی و ... منعکس بود. اما بتدریج ناکارایی چنین شاخص هایی باعث شد که مفهوم توسعه اجتماعی - اقتصادی معرفی گردد با اعلام سه دهه توسعه توسط سازمان ملل و ارزیابی عملکرد ملل محروم و به ویژه عمیق تر شدن شکاف موجود بین ملل پیشرفته و عقب مانده بتدریج به ابعاد دیگر توسعه توجه و تمرکز شد به نحوی که امروزه از سبد شاخص های توسعه نام برده می شود که عبارتست از:

۱. جمعیت:

۲. بهداشت و تغذیه:

۳. مسکن و محیط:

۴. تعلیم و تربیت و فرهنگ:

۵. اشتغال، شرایط کاری و تامین اجتماعی:

۶. دفاع و رفاه اجتماعی:

۷. درآمد، مصرف و ثروت:

با در نظر گرفتن چنین سبدي از شاخص های توسعه تلاش شده تا اندازه گیری جامه تری از توسعه به عمل آید، و با افزودن مساله توسعه سیاسی، فقرزدایی و بالاخره ملاحظات زیست محیطی به سبد این شاخص ها

مفهوم توسعه پایدار زیست محیطی شکل گرفت حال آنکه اگر توسعه پایدار زیست محیطی الگوی توسعه قرن ۲۱ محسوب می شود و در کنار سبب این شاخص ها، توسعه فرهنگی نیز جزیی مهم به حساب می آید، توسعه تنها زمانی رخ می دهد و برنامه ریزی برای توسعه قابل تصور و با موفقیت ترین خواهد بود که برنامه ریزان، جامعه مورد نظر را بشناسند و در جهت توسعه فرهنگی به برنامه ریزی مبادرت نمایند.

در واقع رشد و توسعه یک جامعه که متکی به افکار و ارزشهای اجتماعی است در گرو تلاش و کوشش های فراوانی است که در قالب فرهنگ پویا منجر به نوآوری و خلاقیت و تحول می شود. فرهنگ پایه رفتارهای انسانی بشمار می رود لذا در ارتباط با نقش عوامل فرهنگی در توسعه لازم است عامل انسان در تولید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد بطور کلی می توان گفت بهترین عامل توسعه در هر کشوری توانایی فکری و نیروی خلاقیت جامعه است زیرا انسان است که تکنولوژی را خلق می کند و بکار می گیرد از این جهت کلید توسعه در فکر انسان است و شاخص های توسعه فکری در هر جامعه ای میزان خلاقیت و آفرینندگی آن جامعه است در فعالیتهای علمی، تحقیقاتی و نیز اختراعات و اکتشافات خود را متبلور می سازد پس لازمه آن ایجاد انگیزش و پرورش خلاقیت است که در هر جامعه باید انجام شود حال آنکه نظام ارزشها و هنجارهای جامعه است که به رفتار افراد جهت می دهد و الگو و نمادهایی برای رفتارها ایجاد می کند بنابراین بازسازی و توسعه نظام فرهنگی و اجتماعی و ارزشها و هنجارها در جهت رشد و توسعه یافتگی از اهمیت بسیاری برخوردار است .

نتایج:

طبق آنچه که از مجموعه مقالات مختلف میتوان نتیجه گرفت و به عنوان نوآوری از این مقاله نشان داده شده است در تقسیم بندی G از جدول زیر می توانید مشاهده کنید:

۱. گسترش سواد و ایجاد آموزش همگانی		
۱. رسانه های جمعی اولین قدرت فرهنگی ۲. اشاعه روح علمی در جامعه	تقسیم بندی A B (جناری) (تعلیمی)	عوامل مهم توسعه پایدار بعد فرهنگی
۱. کتاب و کتاب خوانی دومین اقدام فرهنگی ۳. تحقیقات و پژوهش		
۳. مطبوعات سومین قدرت فرهنگی ۴. گسترش نظام های اطلاعاتی و ارتباطی		
۱. فناوری و مهارت ها ۵. تحول در ارزشها		
۴. احیای علم و معرفت ۶. افزایش مشارکت	تقسیم بندی B	
۱. نظام ارزشها و اخلاق جمعی ۱. شاخص های آزادی فرهنگی	تقسیم بندی E (زاهد)	
۱. داشتن روحیه جمعی و مشارکت ۲. شاخص های خلاقیت فرهنگی	تقسیم بندی C (فراهانی)	
۲. نشان دادن تفکرات خیری و بی تفاوتی ۳. شاخص های گفتگوی فرهنگی	تقسیم بندی F (میرزا حسینی)	
۱. اعتماد به اجرای قانون و نظم پذیری مردم ۱. تأمین زندگی مناسب، امن و آرزومند برای همه مردم	تقسیم بندی F	
۴. داشتن تفکر علمی و روحیه تحقیق و نوآوری و... ۲. زندگی و کار مطابق با محدودیتهای زیستی- فیزیکی محیط	تقسیم بندی (پورنیاکان)	

مشارکت و مسئولیت پذیری	تقسیم بندی G	
هویت و تعلق شهروندی		
استقبال از تغییرات فرهنگی		
ارتباطات		
اعتماد و محدودیت های محیطی		
گرایش به نظم و قانون گرایی		
آموزش درست و هدفمند		
کاهش بیکاری		
ایجاد نوآوری و خلاقیت		

بحث، نتیجه گیری و پیشنهاد:

مجموعه نکاتی که از مقاله حاضر می توان استخراج کرد این است که توسعه در تمامی ابعاد آن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) منوط است به چگونگی تفکر انسان، و چنین تحولی ریشه در باورها، اندیشه ها، رفتارها، سنتها و... دارد و این عناصر نیستند، مگر اجزاء متشکله فرهنگ یک قوم . حال آنکه توسعه پایداری که امروز در همه جا از آن صحبت می شود توسعه پایدار زیست محیطی است که در رابطه با آن توضیحاتی در مقاله ذکر شد و بهترین تعریفی که از توسعه پایدار می توان کرد این است که: « توسعه پایدار تامین نیازهای نسل کنونی بدون لطمه زدن به منافع نسلهای آینده است.»

مشارکت و مسئولیت پذیری، هویت و تعلق شهروندی استقبال از تغییرات فرهنگی، ارتباطات، اعتماد و محدودیت های محیطی از عوامل تاثیر گذار در جهت توسعه است حال آنکه گرایش به نظم و قانون گرایی مهمترین عاملی است که بر فرهنگ تاثیر گذار است در واقع رشد و توسعه یک جامعه که متکی به افکار و ارزشهای اجتماعی است در گرو تلاش و کوشش های فراوانی است که در قالب فرهنگ پویا منجر به نوآوری و خلاقیت و تحول می شود

هدف نهایی توسعه، توسعه انسانی است پس باید ابتدا از انسان شروع کرد، مفهوم توسعه انسانی خود گویای آن است که هدف اصلی توسعه بهره مند ساختن است در واقع رشد و توسعه یک جامعه که متکی به افکار و ارزشهای اجتماعی است در گرو تلاش و کوشش های فراوانی است که در قالب فرهنگ پویا منجر به نوآوری و خلاقیت و تحول می شود و برای کامیابی در عرصه رقابت، باید ابتدا از خودمان شروع کنیم و محیط مناسبی را برای شکوفایی استعدادها و پتانسیل های نهفته، به وجود آوریم. یکی از لازمه های کلیدی برای این نوع بستر سازی، کاهش بیکاری، به ویژه در میان جوانهاست، زیرا هرچه امکان بهره گیری بهینه از استعدادها و توانایی های جوانان، بیشتر و عمیق تر باشد، آینده روشن تری در انتظار آن جامعه خواهد بود. باید دانست که «جوانان، فرصت هستند»، فرصت هایی که با آموزش درست و هدفمند، تبدیل به رمز موفقیت و پیشرفت می گردند، بنابراین، جوانان، برگ برنده کشورهای در حال توسعه، در میدان مبارزه آینده، به حساب می آیند.

منابع و مأخذ:

۱. نصیری، حسین، (۱۳۷۹)، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ص ۱۱۵-۱۱۳-۱۰۹-۱۸
۲. عطارزاده، مجتبی، (۱۳۸۴)، مقاله واقعیت توسعه و توسعه واقعی در ایران، (بررسی تحکیم زیر ساخت فرهنگی به منظور پایدار نمودن توسعه)، ص ۱۸۷
۳. حمزه ای، کیومرث، (۱۳۷۶)، مقاله فرهنگ و توسعه اجتماعی (کتاب: نقش مدیریت در توسعه، ۱۳۸۲) ص ۱۴۳
۴. پور نیاکان، اعظم، (۱۳۸۰)، مقاله اشتغال و توسعه اجتماعی، (کتاب: نقش مدیریت در توسعه، ۱۳۸۲)، ص ۶۲
۵. پورافکاری، نصرالله، (۱۳۷۲)، مقاله الگوی توسعه و مدیریت همسو، (کتاب: نقش مدیریت در توسعه، ۱۳۸۲)، ص ۱۱۳
۶. عباس زاده، حسن، (۱۳۸۷)، مقاله مدیریت دولتی نوین و توسعه پایدار، کارشناس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳
۷. میرزا حسینی، حسن، مقاله بررسی نقش پاره ای از عوامل روانی-اجتماعی موثر بر توسعه، (چکیده مقاله های اولین کنگره سراسری روان شناسی ایران ۱۶)

۸. انصاری، محمد اسماعیل، (۱۳۸۲)، مقاله نقش منابع انسانی در توسعه، (کتاب: نقش مدیریت در توسعه، ۱۳۸۲)، ص ۵۳-۵۴
۹. جاسبی، عبدالله، (۱۳۷۹)، مدیریت و توسعه، مجموعه مقالات سمینار مدیریت و توسعه، ص ۵۱
۱۰. عیوضلو، (۱۳۸۰)، مقالات راهبرد یاس-سال اول-شماره سوم، ص ۱۸
۱۱. فرهانی، فاطمه، (۱۳۸۷)، مقاله تدوین شاخص های فرهنگی توسعه، کارشناس کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۹۲
۱۲. چناری، راضیه، مقاله توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه، ص ۲۱-۲۲
۱۳. افقه، سید مرتضی، (۱۳۸۶)، مفهوم توسعه: مقایسه ای بین دیدگاه اسلام و ادبیات توسعه، ص ۱۲
۱۴. محمودیان شوئیلی، (۱۳۸۴)، محمد حسین، مقاله توسعه پایدار و منابع انسانی، (همایش ملی مدیریت اراضی - فرسایش خاک و توسعه پایدار)، ص ۱۵۷
۱۵. فیاض، ابراهیم، (۱۳۷۷)، مقاله الگویی برای توسعه فرهنگی استانها، ص ۲۹
۱۶. زاهد، سعید، (۱۳۸۰)، مقاله در باب توسعه فرهنگی در ایران، (مقالات راهبرد یاس-سال اول-شماره سوم) ص ۱۲۵-۱۲۰
۱۷. یونسکو، ۱۳۷۶، ص ۳-۴
۱۸. رجب زاده، احمد، (۱۳۷۵)، مقاله شاخص سازی فرهنگی، زمینه های نظری و محدودیتهای آن، ص ۴۸
۱۹. مرکز توسعه پایدار ایران
۲۰. علیقی، منصوره، (۱۳۸۵)، مقاله توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی، ص ۵۹
۲۱. پور خلیلی، حمید رضا، (۱۳۸۴)، مقاله تاثیر متقابل مدیریت و توسعه، ص ۱۴۰
۲۲. حسینی منش، سید محمد مهدی، (۱۳۸۶)، مقاله نقش دین در فرهنگ و توسعه فرهنگی، ص ۱۳۹-۱۳۸

Elliott, J.A.Ah, 1994). , (1. Introduction to Sustainable Development, London: Rutledge, Ltd, Co

United Nation, Division for Public Administration, Decentralization for National and Local Development, (New York, U.N. 1962).

World Commission on Environment and Development, 1987, PP.4&8.

Adelman, I. & Morris, (C.1984, P. 87) UNESCO.

Evans Ltd & Development, Plymouth, Macdonald Barber, Michael, (2004), Public Administration and sustainable .